

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارشها	Reports
---------	---------

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۴ می ۲۰۱۴

در افغانستان چه می گذرد؟

۲۴۲

تجاوز ملای «خدا نترس» بر دختر ده ساله در ولایت کندز

هنوز از بریده شدن گوش ها و بینی یک ملا به جرم تجاوز بر خواهر زاده دوازده ساله اش در ولایت بغلان چند روزی نگذشته که اینبار وحشی دیگری به نام ملا در ولایت کندز بر دختر ده ساله که نزدش درس علوم دینی می خواند تجاوز کرد. این ملای بیشراف و رذیل در حالی که دست و پای دخترک معصوم را سخت بسته بود، با گفتن این که «من از خدا نمی ترسم» عمل شنیع و غیر انسانی را انجام می دهد.

ملا و مولوی که در بین توده های درد دیده و زجر کشیده کشور مستعمره – نیمه فیودالی ما، از احترام نسبتاً خاصی برخوردار است به نام دین و قرآن بر افکار مردم ما به شکل عجیبی نفوذ نموده و از زمان تولد تا دم مرگ این طیف از انسان ها مداخله گر زندگی توده های ستمکشیده ما می باشد و برای رسیدن به اغراض شخصی خویش افکار پوسیده و ضد انسانی را چنان تبلیغ می نمایند که «عدول» اندک از آن را مترادف به کفر می دانند.

با ورق زدن تاریخ کشور دیده می شود که زیاده ترین جنایت ها و خیانت ها را چنین انسان هایی به نام «اسلام، جهاد، دین، خدا و رسول» انجام داده اند. این طیف از انسان ها که از شاهراه علم و دانش فرسخ ها فاصله دارند، با خواندن چند کتاب زرد قصه خوانی پیشاور و یا کتاب های منتشره در قم ایران و به خاطر سپردن چند آیت و حدیث، مدرک ملائی و آخوندی را به دست آورده و راهی مساجد و تکایا می گردند و با سوء استفاده از عقاید توده های فقیر ما در تلاش به قهقراء کشاندن هر چه بیشتر افغانستان به سوی تباهی و بربادی اند.

فاسدان یک دیگر را به فساد متهم می کنند

عبدالرؤف ابراهیمی رئیس «خوكدانی»، قیس حسن این جرثومه بی سواد که رئیس کمیسیون مواصلات، مخابرات، امور توسعه شهری، تهیه مسکن، تهیه آب و برق و امور شهری این خوک دانی می باشد و عده ای دیگر در دیداری با سردهسته جواسیس (کرزی) خواهان برکناری و محاکمه نواندیش می گردند و ادعا می کنند که شاروال فاسد است و از قانون اطاعت نمی کند. کرزی به آنها وعده می سپارد که بعد از بازگشت شاروال از سفر، او را از کارش برکنار نموده و به مراجع عدلی و قضائی می سپارد. اما بعد از برگشت نواندیش از سفر، کرزی چنین کاری نکرده و وی کماکان به وظیفه اش ادامه می دهد.

به تعقیب آن عده ای از اعضای «خوک دانی» در دولت پوشالی و در رأس آن قیس حسن مقابل دروازه های «چوروالی» کابل گردهم آمده و با نصب شعار ها و کشیدن چیلیا بر روی عکس های نواندیش اعتراض نموده و خواهان برکناری شاروال شدند.

نواندیش به جواب اعتراض اعضای «خوکدانی» می گوید: «کسانی که علیه او دست به اعتراض زده اند، مافیای زمین می باشد، چنان که شخصی به نام قیس حسن زمین مربوط به ۱۰۹ کادستر را غضب و در آنجا شهرک ساخته و عبدالرؤف ابراهیمی رئیس پارلمان زمینی را در شهر کابل به زور گرفته و برای خود آپارتمان ساخته و بار دیگر برای خود و اقارب خود در شهر کابل خواهان زمین گردیده که خواست شان را برآورده نکردم، به همین خاطر مخالف من شده است...»

در کشوری که سگان درنده بیش از چهل کشور با ریختن روزانه ده ها تن بمب بر خانه و کاشانه مردم آن، کماکان از سوی دم و دستگاه نظام پوشالی به نام «دوستان بین المللی» خوانده می شوند و عده ای از کاسه لیسان آن را «فرصت طلایی» می دانند، در کشوری که سازمان های استخباراتی کشور های همسایه، منطقه و جهان بر تار و پود آن نفوذ کرده و هیچ حرکتی از دید جواسیس داخلی و خارجی پنهان نمی مانند، در کشوری که صد در صد بودجه انکشافی آن و بیش از ۷۰ درصد بودجه عادی آن از سوی اشغالگران پرداخت می شوند، در کشوری که اردو، پولیس و امنیت ناملی آن تربیه دست سازمان های جاسوسی منطقه و غربی می گردند، در کشوری که ده ها درجن انجو آستین ها را به چور و چپاول بالا زده اند، در چنین کشوری از راس تا ذیل دولت پوشالی در فساد غرق می باشند و هر یک از فاسدان تقلاب دارد تا نقاب انسان «شریف» را بر چهره انداخته و دیگری را فاسد بگویند!!؟. در حالیکه فساد جزء لاینفک چنین نظام هائی است.

ابراهیمی، قیس حسن، نواندیش و کسان دیگری که در این خیمه شب بازی شریک اند، همه فاسدان و جنایتکاران نابخشوندی این کشور اند که روز تصفیه حساب با آنها و سایر جواسیس، جنایتکاران، مافیا، غارتگران عزت و ناموس این کشور و وطنفروشان رسیدنیست و آن روز این خلق زحمتکش و اسیر افغانستان است که نقاب را از چهره کثیف تمامی آنها خواهند درید و در دادگاه خلق به محاکمه شان خواهند کشید.

شانزده کارگر، در انفجار گاز در یک معدن جان های شان را از دست دادند

در اثر انفجار گاز در یک معدن زغال سنگ در منطقه «دهن تور» ولسوالی «دره صفوف» ولایت سمنگان شانزده کارگر کشته و بیش از بیست تن دیگر در آنجا گیر مانده و از سرنوشت آنها هیچ اطلاعی در دست نیست. این معدن به شکل غیر معیاری و با استفاده از حداقل امکانات توسط یک شرکت خصوصی مورد استفاده قرار می گرفت. نزدیک به شش ماه قبل نیز در یک معدن در منطقه «آخورک» ولسوالی «روئی و دوآب» این ولایت نیز فرو ریخت و باعث مرگ بیش از ۲۷ کارگر و زخمی شدن ۳۰ کارگر دیگر گردید.

در افغانستان مستعمره – نیمه فیودالی که از دوازده سال به اینطرف میلیارد ها دالر سرازیر گردیده، هر روز شاهد قتل و کشتار توده های درد دیده و ستمکشیده خود در حوادث گوناگونی همچون سیلاب، زلزله، لغزش زمین، فرو ریختن معادن، خشونت های خانوادگی، دزدی های مسلحانه، انتحار و انفجار وغیره می باشیم. روزی نیست که خبر کشته و زخمی شدن ده ها تن از هموطنان ما در رسانه های صوتی، تصویری و نوشتاری پخش و نشر نگردد.

تا زمانی که دولت پوشالی، فاسد و مزدور در مغازه با کشور های همسایه و جهان قرار داشته باشد و روی فروش مادر وطن با آنها چانه زنی نموده و تلاش برای زر اندوزی در صدر برنامه های کاری آنها قرار داشته باشد، نه تنها

در مرگ و میر توده های درد دیده این کشور کاهشی رونما نخواهد گردید، بلکه هر روز گراف قتل و کشتار مردم ما فزونی می یابد.